



روزانه ها ...



خانه قلم ها پیوندها

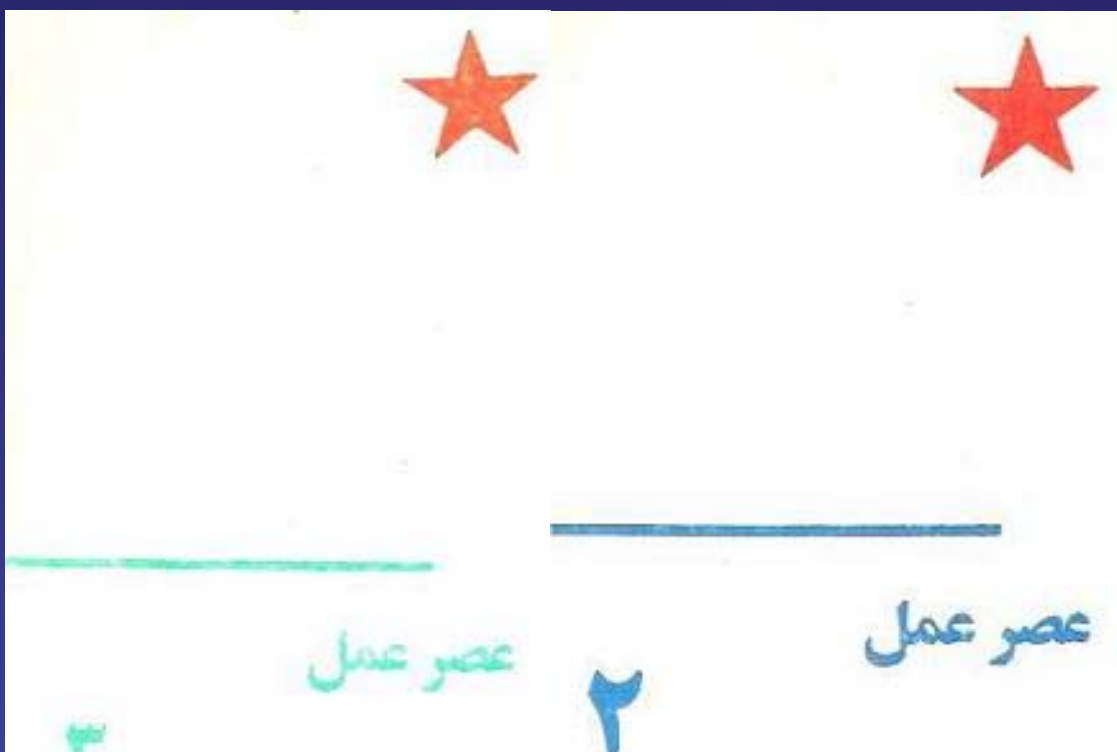


آراد (م.) ایل بیگی گاه روزانه های دیروز ... و امروز

آوردن این مطالب ، نه به معنای تأییدست و نه به تبلیغ ؛ تنها برای خواندنست و ...

524-1

رژیس دبره : در باره اروگوئه (برگردان : بهرام یا بهرامی [فریدون ایل بیگی])



درباره اوروگونه



ترجمه : بهرام

نوشته : رژیس دیره

فهرست

نوشته	ترجمه	صفحه
چند نکته		۳
از خود بیگانگی . مناسبات اجتماعی		
و فردیت آزاد	کارل مارکس م - نیکتام	۷
علل از خود بیگانگی	ارنست ماندل ش - باطدار	۱۵
مقالهای از سازمان چریکهای فدائی خلق		۲۹
سری اخبار و گزارشات کارگری از سازمان مجاهدین خلق ایران		۳۲
از ویتنام تا اوروگونه و درسهایی از آنها سیاطک آزاده		۴۴
درباره اوروگونه	رژیس دیره بهرام	۸۰
به خلقهای امریکای لائن		۱۰۴
نامه انگلس به بلوک	م - ن	۱۱۶
سه شعر	شفیعی کدکنی	۱۱۹
گفت و شنودی با آئنده	رژیس دیره کیوان	۱۲۵
جنگ رهاشیش ملی در ویتنام	جیپ بدیع	۱۳۸
نبرد چریکی در لرستان نطقه می بندد	نبرد خلق شماره ۴	۱۵۵

استراتژی یا تاکتیک ؟

تاکتیک : استعمال نیروهای مسلح را در رگروری های نظامی تعلیم میدهد . استراتژی : استعمال در رگروری های نظامی را برای رسیدن به هدف و غایت جنگ .

کابل همین گلوزه ویتز

برای همه ای شکست این ستروال پیش بیاید که ماجرا اینست بروی جنگ چریکی شهری ، بهروزه توپامارو ! نیکه میگویم . قیلا به این سوال جواب بدیم که چرا بهروزه بروی جنگ چریکی شهری نیکه میگویم . جواب ما دریک عبارت خلاصه میشود : بخاطر اینکه پیشگامان مبارزه مسلحانه در ایران ، جنگ چریکی شهری را بعنوان مرحله اول جنگ انقلابی انتخاب کرده اند . از این اصل حرکت میگویم که : در شرایط فعلی کشور ما (مانند بسیاری از کشورهای معروف به " جهان سوم ") مبارزه موجود مبارزه ، مبارزه مسلحانه و جنگ انقلابی است . البته بی آنکه اهمیت فوق العاده مبارزه نو ده ای سیاسی را (در کنار مبارزه مسلحانه و در توافق با آن) نادیده بگیریم .

با حرکت از این اصل ، سئوالات فراوانی پیش می آید از جمله : آیا جنگ چریکی شهری برجنگ چریکی روستایی مقدم است و یا بالعکس ؟ آیا هر دو با هم باید بکار گرفت یا یکی را بفتح دیگری ، لایا ل برای مدتی باید کنار زد ؟ دریک کلمه : استراتژی یا تاکتیک ؟

ما خود را برای جواب دادن به این سئوالات ، و بی لایا ل برای پاره ای از آنها ، صالح نمیدانیم زیرا معتقدیم که این مبارزان در اخلاقی که میتوانند با نتیجه شرایط عینی و ذهنی جامعه ، با این سئوالات پاسخ دهند . و بیغولترین مسائل مشخص را با تمام جنبه های شخص آن مورد توجه قرار دهند .

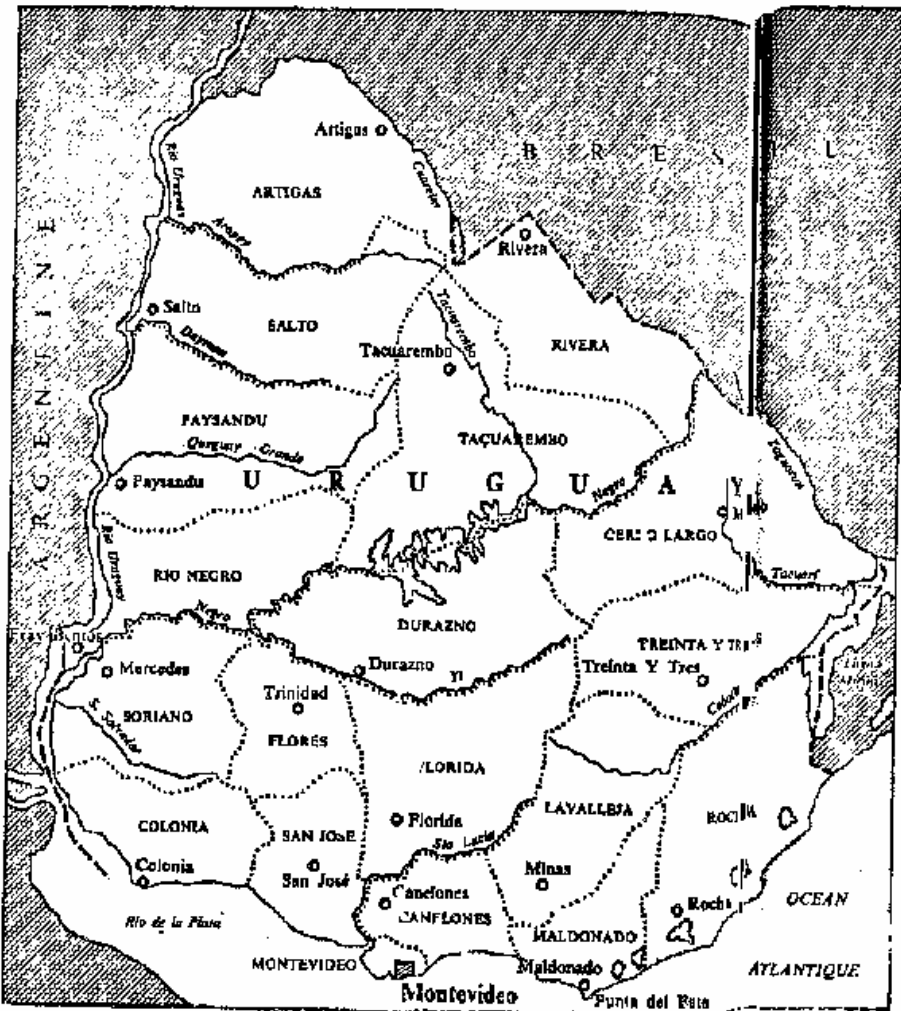
رابطه ما انقلابیون خارج در اینست که بیک معنا نقش همدار در همه رابطه را ایفا کنیم ؛ نه در جنبه های سیاسی و دیگران را به هر حال در حالت مستقیم یا ساجت ، معرفی نمائیم ؛ غلط و موافق بهرین بیان کنستهای جنبشهای انقلابی دیگران ، برای حلها و این بستهای آنها را نشان بدیم .

با تکیه بر این اصل که : راه حلها با این بست های فلان جنبش در فلان کشور در فلان شرایط خاص الزاما راه حلها با این بست برای جنبش انقلابی یک کشور دیگر در یک شرایط دیگر نیست .

غلط ناگویی های کسانی که مقداره چشم به اشکال ظاهری انقلابهای اکثر همین ، گویا ، ویتنام و غیره دوخته اند در همین جا است . و نقش این قضیه نیز مختصا در قیاس است : جنبشهایی که بخود قانع اند و خود را از تجربیات دیگران بی نیاز احساس میکنند .

ایمانت تا کید ماسرونی توپاماروها ، این بخاطر ویسی ست که این جنبش انقلابی در زمینه جنگ چریکی شهری به آن دست یافته است . اینان ، جنگ چریکی شهری را به حالی تبدیل میکنند که در حد آن ارتقا در اند ، تا آنجا که باید دست گرفتن قدرت یک قدم بیشتر فاصله نداشته اند . اما چرا نتوانستند این یک قدم آخر را بردارند ؟ رژیس دیره در اثر خود میگوید که با این سوال مهم جواب میدهد . تمام اهمیت نوی العاده این نوشته در جواب با این سوال مهم خلاصه میشود . و نیز انگیزه ای اصلی ما در ترجمه این اثر است .

اروگوئه



۱۸۱۹۲۶ کیلومتر مربع مساحت .
۷/۲ درصد از اراضی قابل بهره برداری است (حد متوسط اراضی قابل بهره برداری آمریکا لاتین در حدود ۲۴ درصد میباشد) . ۵۲ درصد از اراضی توسط ۴۰ درصد کشاورزان اداره میشود . از ۱۷ میلیون هکتار زمین قابل کشت ، در حدود ۱۰ میلیون هکتار متعلق به ۳۰۰۰ مالک میباشد .

جمعیت کشور بر اساس سرشماری ۱۹۷۰ به ۲۸۸۶۰۰۰ نفر رسیده ، با این حساب ، متوسط جمعیت در هر کیلومتر مربع ۱۶/۸۳ میباشد . طبق برآوردی که در سال ۱۹۷۰ میلادی ، ۱۹۶۵ - ۱۹۶۰ در حدود ۵۰۰۰۰۰ اروگوئه ای از کشور مهاجرت کرده اند .

نیمی از جمعیت کشور در صنعت وید توپ (پایتخت) زندگی میکنند . میزان افزایش تولید ۱/۲ درصد در هر هزار است که یکی از پایین ترین ارقام در قاره آمریکا بشمار میرود . حد متوسط عمر ۶۵ سال است .

جمعیت فعال کشور در سال ۱۹۶۸ به پنجگانه تقسیم میشد : ۱۶/۶ درصد در کشاورزی ، ۱/۷۴ درصد در صنایع ، ۵۱/۷۴ درصد در خدمات عمومی (در حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر در این بخش کار میکنند) .

اقتصاد کشور ، اساسا روستایی - شبانی (پرورش گاو و گوسفند ، پشم و گوشت) ، از سال ۱۹۶۰ به اینطرف ، در یک روند رو به رشد و پایداری متوقف به سر رسید .

اروگوئه در آخرین ریدیف ، در بین کشورهای قاره آمریکا ، لائین در زمینه افزایش صادرات در طی سی سال اخیر ، قرار دارد .

جمهوری اروگوئه به ۱۹ ایالت تقسیم شده است .

د همی نمی آنگه در این راه ، اصل و بنیاد و توسعه نه تنها M, I, N بلکه حتی سایر دستجات گروهی هم می بود. در اردوگوئه که M, I, N با چستی آزان و به حصول قبول کننده آست - آزان و بهرم - من مقدسه اشاره شده (۱۶) حتی اگر مستقیمت اینجا آتما پاره ای از واقعیت های مشخص آنکارا به پرسش و روزها طرح و عنوان کند ، به خاطر نظریه کارخانه ای ، مستوان به چنین نظریه و به موجب تقریبا میشد درباره اثر انسانی من کرد : (۱۷) خود را در وسیله زندگی به نام اینک به بالنگی قرار میدهد ؛ بلکه با اصلاح افلاطونی ، تونان از پیش و خارج از تاریخ شخصی (Concrete) بود . به نتیجه گیری نظریه ای که در مورد پرومیس ای - نه بطور دقیق ، جزئی و عمده و عموما چیزی نگری نیست که به اندیشه فروتنی ، برای از پیش و و خالی از پایه است ، مستور زندگی اجتماعی ، جریان یک تاریخ ، غار و زمین - همان نظریه در مورد تاریخ درین صده ای بود اسکند - واقعا تا آنکه که به این فرمول بعدی تبدیل می شود : « معنای عمومی به پیشرفت ، ولی درین حال ، یک بررسی و مطالعه تاریخی که به ویژه در تاریخ و اجزا - را - بخشی که حالا می معرفی کرد ، و بر می (۱۶) - به هیچ وجه مشکل میکند . همین گونه «تاریخی که توپا ماروهارا بر این راه کشاند که بسوی نوئی در ریافت - بجای نوئی و بگریز از بارز انالیز - ساجت بفرح رفتند ، آنان راه این راه صوبی داد که آن (در ریافت) را بنحوی ناگهانه بهار و کشند ، همین گونه تحول و تکوین شرایط تاریخی ، آنان راه این راه صوبی دادند که در نتیجه در ریافت و درین حال در نتیجه «حرا» و سنگاری کشند .

برای گفتن چیزی منطقی با عقل سلیم در مورد اردوگوئه ، فقط وقت حکم میکند که تا زمان آریگاس من عقب در رسم و برای گفتن چیزی منطقی با عقل سلیم در مورد توپا ماروهارا هیچ نیاید است آوردن من شرح تاریخ خاص آزان و یعنی نامه ، سابق ، قابل عقیرت . نظریه ای که نه قدرت و نه وقت و نه ظرفیت افراد استه ایم که همه چیز را آزان اول آمانگیم ؛ از طرفی میگوید هم که کار از زمانی شروع کنیم ، در اینحال ترجیح دادیم که کار را از آخرین مرحله - با در نظر گرفتن تاریخ ۱۹۷۱ سپتامبر ۱۶ روز فرار ۱۶ - دین از کار دعاه توپا ماروهارا زندان پسزنتا شماره نیاس (Punta-Carretas) ، بعنوان نقطه حرکت - آغاز کنیم . و این انتخاب بدلیل مختلف صورت گرفت . این تاریخ یک چرخش منطقی در تاریخ توپا ماروهارا وجود آورد و هر چند که در آن لحظه هنوز تاریخی بود ، در واقع ، نتیجه اثری که بعد از آن این بود که تاریخ های مشخص ، یعنی روز رسی و گامیل توپوهای ارتش ، در مبارزه " ضد شورشی " ، خلق شود . این تصمیم توپا ماروهارا - به خاطر تصمیمی که در رابطه توپوهارا در نتیجه های برون حمل و در نتایج سیاسی درگیریهایی بین توپا ماروهارا و " نیروهای برقراری نظم " ایجاد میکرد ، یک بزرگ و واقعی را بوجود آورد . و ما (در بررسی خود) ، در یکسال بعد ، یعنی در اول سپتامبر ۱۹۷۲ روز سنگیری شده یک « شرف میخیم » این مدت در زمان مبارزه با سوار گناه ولی با نه از گاهی افسانه گر جبرانده بخوان منک یک تاریخچه بسیار وسیع و جود امفاد و فرار کردیم . و شکی سازمان چپ یک کشور ازمان به چنین سایت حقیقت عبور میکند ، و پنجاه سال از روز و همانطور که در یک جسم بهم زدن روی آید و در سطح آب آفتاب میخورد .

یک دلیل بیشتر تصمیمی نیز برای این انتخاب (برگزیدن تاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۱) بعنوان نقطه حرکت است - بررسی (۱۰) وجود دارد : همان زمانی که ساگاری این متن کوچک مقدسه مانده (۱۶) واقعا کرده بودیم که El Abuso " (اسم و مضامین فرار - پونتا کاره ناس) (در جریان بود ، آنگون در کردن پاره ای از تاشده های اینجا - که با واقعیت های وجود انزوان منطقی بود ، نه برای ماستابه یک وظیفه روشنگرانه اولیه

بخش یکم وقایع

(سپتامبر ۱۹۷۱ - سپتامبر ۱۹۷۲ : سال تعیین کننده)

در ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۱ ، بدون شلیک یک گلوله یا تیر ، یک جاقوه ، ۱۰ تن از کارهای توپا مارو ، از زندان پونتا کاره ناس - زندان مرکزی مونته ویدئو - از طریق تونلی بطول ۳۰ متر فرار کردند ، و این همان عملیات معروفی بود که " ال ابروزو El Abuso " نام گرفت . این عملیات در یک فلپا در وسیع تر و روشنت عملیات بود که در روزی همان سال صورت گرفته و در جریان آن ، ۱۰۰ و ۱۰۰ هشت توپا ماروی زن از زندان فرار کرده بودند . رئیس جمهوری وقت - یاشگواره کوب - و همسر او ، تا به سیستم سرکوب پلیسی در آنظارا بعمود عود استهزا فرار کردند ، سه روز پس از آن ، پنجتنی در ۱۶ سپتامبر ، قوه بحریه مسئولیت گئی مبارزه ضد شورشی را به " نیروهای سفید " (۱۶) واگذار کرد . الیکارشی غیر نظامی آخرین بزرگ برنده فاش را - کلتا اینوتی بعنوان " خیره حافظ کرده بود - بازی میکرد ، بدون آنکه در فکراین با نند که به بازی خطرناکی دست زد ، است ، او بازی کردن این بزرگ برنده ، نظامی ، اتوماتیکان و مساعد قربانی کرد ، نه با چشم پوشیدن از حاکمیت و قدرت را به نمای خواهد آورد ؛ خود او نه اولین بلکه آخرین قربانی این بشمار خواهد رفت ، باری ، نیروهای ارشوی بکنکه یک ابزار حقوقی حکومت نظامی خلیف - " Las medidas prontas de seguridad " که تعیین های قانون اساسی عادی را معلق میکرد - بدون در حالت و مستگاه غیر نظامی ، و بکنکه در مستگاههای گوناگون پلیسی مرسوم و وظیفه مقابل و مبارزه با M, I, N را بجا می بردند . ورود سیستم نظامی بعنوان پیشرو اولان سرکوب ، بطور اجتناب ناپذیری بود ، آنها برصحنه سیاسی کشور را بدنیال داشت ، چیزی که از سال ۱۹۰۴ یعنی پس از نیا سان جنگ داخلی " بلانکوها " و " کولبرادوها " سابقه تاریخی نداشت . تا قبل از این تاریخ ، تنها کونک های نظامی که در اند حکومت مشروطه را قطع کرد ، کودتای Terra بود که اینهم بوسیله یک فرد غیر نظامی صورت گرفت . به این مفهوم و این تصمیمات توپا ماروهارا ، نه تنها توسعه نصیبتا خود کشی و برگ خود تر بشمار میرفت ، بلکه دوره جدیدی را برای مبارزه انقلابی مسلحانه و برای حیات سلطنت افتتاح نمود .

این دوره - که به نظر می رسد اردوگوئه تنها باین زودی آزان خارج شدند - که بوسیله تاریخ - معبر (۱۷) اوایل « تمام خون " یا " جمعه خونین " را محیط اصلی خود برده شده بود ، در وطن یکسان برپ و تاب بصورت غلیظ و منراکی در آمد . تا اینوقت ، مبارزات انتخاباتی ، تراز خاصه بروقی اعلام شده بوسیله توپا ماروهارا و تغییر حکومت ، نقش مسلطی را ایفا کرده بود . در همین مرحله ، تحت سرپرش " حقوقی " حالت جنگ داخلی ، به اعتراض وسیع و موثر " نیروهای متشیق "

بشمار میروند . اما دلیل جدی تر اینک ، حصر بیشتر که در صورت دارد به کم بیشتر بروی دوره ای - که ایمن خطر موجود است که مانند تمام دوره های مشکلات و عقب نشینی ها در سابه بماند - نوپا کشید و - نمکشها عموما از پروتیهها محجوب ترند ؛ ولی تاریخ که این هر دو را در بر می گیرد نشانده دون نمکسبر شکر دادن و شنگ کردن (شان آنها را به بطور کامل ، بلکه (۱۰) بطوریکه کاره روشن کند ، این محجوبیزهای مرتبط به دوره های تلخ و ناگوار تاریخ ، وجه لطفه هایی که به نیروهای انقلابی نژاد است - به نیروهای که برای دربر گرفتن و نگرانی خود وسیله ای جز در گرفتن و نغنی شدن از شکستهایشان در اختیار ندارند . در اوج دوره پیروزیهای آنها ، پروتاژها ، مثالاً ، برمان ها ، بقده ها ، تحلیلات بررسی ها ، بزرگه ها ، مقاصد و طرح در باره توپا ماروهارا ظاهر شدند نه فوی الکترونیک چشم بسته میتوان شرط بست که این روزه مطالب و نوشته ها گوناگون برای مدتی - لا اقل تا زمان آج گیری مجدد در فعالیتهاشان - قطع شود ، در واقع ، در ایمن دوره (۱۸) این دوره های " سنگست توپوهای (۱۰) است که روزنامه نگاران عموما در ریحان کتیک و باید عجله کشند ، بزرگ رست برحق که بگران تصور میکنند که خبری نیست که بتواند صفحات اول روزنامه را جلا - د کند ، در دست در همین موقع است که کار مهم تعیین کننده ، بطوریکه - تنها چیزی که برای یک سازمان انقلابی اهمیت دارد - صورت می گیرد ؛ با صبر و حوصله آماده کردن و استقرار بخشیدن در شرایطی که اجازه میدهند بعد نما - در رابطه موجود - " عملیاتی " سرکند که ابلهانه آنها را عملیاتی - همچنان انگیز - صخوانند و در حالی که این و تابعی نقش و مبنای قابل توجه و اهمیت نیابند . از نظرگاه ما ، این دوره بسیار صدمه در انداخته و اما باکی برانگیز نیستا به توجه است تا آن عملیاتی صمد و مهمی " که بکریز ناگهان سر بر می کشد و در انداخته آنها می شود ، و بعد فرزند این را جستن میگردند ، هر مسلم بدون اینکه امداد داشته باشند که ماتتیا سره شایسته ای هستیم که صلاحیت دارد این مرحله - هنوز تاریک - مبارزه انقلابی امروز را در مطالعه و بررسی قرار دهد (منظور از ما همجنین گمانی - چون عزیزین و مستوران توپا ماروهارا - است که در اعمال و تاریخ این دوره شرکت داشته و از شما همه آنان بهر بر آری شده است) ، بدون اینکه خود را باین دلیل متعجب کنیم که با وسواس تاریخیه ، دین حواش آنها را بدست به هم ، بیشتر در این اندیشه بود ، این که مسرور نیستند های هدایت کننده را جستجو می کنند ، و با باطنیه مانده خود را به دست این ریشه آریان (۱۶) میگردن - ششاید قادر باشیم که با انگشت ، پاره ای از مسائل اساسی را - که در حال حاضر برای ما بزرگترین آرزوگه ای مطرح است - لمس کنیم .

بر علیه توپا ماروهارا قابل تشخیص است ؛ و برخلاف انتظار هگان - که باید تاکید کرد که این یک امر جدید و وحیرت انگیز است - M, I, N ، هیچ ضد تعرض جدی و شدیده و دشواران تعرض دست نبرد (باستانها - تا یک حدی - در راه روشن) . در مرحله اول ، در مکزاس لیبرال موفق شده خود را نجات دهد و وظوهارا محافظت کند ؛ گویا اینکه جنگجه از دست نجات پیدا کرد عمل قرار میگرفت ، تعیین ازاد بیای فردی و ظوا هر رفتنی (در مکزاس) و بیانول میگذاشت . برعکس ، در مرحله دوم ، پس از ۴ اوایل ، بتصرفی ریاکارانه ریشه و رانیدن یک شکل بدیع و ناپایده آری - بتوسی نظامی - غیر نظامی - ازاد بیگانگی ، خود سستی مشاهده میشود که هدف اصلی - ولی نه مشخصه - او ، توپا ماروهارا است . برای اجرای این هدف ، و فکر در حال می شود ؛ از نظر اجتماعی و سیاسی ، نیروی کردن آنها ، و سپس از نظر نظامی و فیزیکی ، ناپدید گردنشان .

الف - فعالیت های نژاد یک بهم سپتامبر ۱۹۷۱ - مارس ۱۹۷۲

اگر ترجمه خود را بر روی زندگی M, I, N در طی این مرحله اول ، متحرک کنیم ، مشاهده خواهیم کرد که جنبش بروی و بطور فعالیت اساسی در حرکت است ؛ اول بطرف خارج ، بروی یک سرتا اساسی سیاسی و حمایت از " Frente Amplio " (۱۹) بروی یک سیخ نمودن و ای ناسی آزان ، دوم بطرف داخل ، بروی یک برنامه اختصاصا نظامی و ارگانی که عبارتست از آغاز اجرای " برنامه تاسو " و نیز بر راه کردن " بمرنامه ۷۲ " .

۱ - آتش بس انتخاباتی

این فکر که نباید مانعی بر سر راه اتفاق سیاسی گیمه نیروهای چپ قانونی ایجاد کرد و بلکه برعکس باید از خارج آنرا مورد حمایت قرار داد ، نه تنها مورد حمایت هیات مدیری سابق که در اوت ۱۹۷۰ در سنگیرنده و اخیرا از زندان پونتا کاره ناس رفته و به فرار کرده بودند ، قرار داشت ، بلکه اکثریت قریب با تمامی سازمان از این فکر حمایت میکرد . این خط منی حمایتی در همین حال توام با انتقاد ، که هیچ رذیلی با فلان و بجهان توجه انتخاباتی ظنی ندارد ولی در موقعیت بدی در غلغله شده برصحنه این انتخاباتی بوسیله این جنبش بوده ای جنبشی ، بیثباتی که بدید ، شست ثلثی میگردن که از نقطه نظر نظامی ، به آتش بس بالفعل ، و از نقطه نظر سیاسی ، نوئی نمودن سازمان بروی نمای خارج را دشمن میگرد .

مبارزینی در آن هنگام وجود داشتند ، و هنوز وجود دارند ، که فکر میگردند اشتباه بزرگ و جرح خشن

(بویزه در رازگروه) ، کارگزارانیکه نمیتوانند کار خود را رها کنند ، زنان خانه دار در دانش آموزان ، برینتفکار و همچنین کنیسه‌ها و نظامیان و حتی بوزواهای کوچک و متوسط (نیبیز جز خلق بشمار میروند) همه بعنوان فردی یادستجعی ، همیک در حد امکانات خود ، ویا توجه بجای که کار روزندگی میکنند ، باید و می‌توانند در تلاتر مبارزه راهائی بخش ملی سهیم شوند از نقطه نظر سیاسی - که آنکه ای اساسی بشمار میروند - این سوخته رده بندی را قدر وجهه ، موجدات ارتباطی ، آله الیا وسیع ترین توده های ملی را فراهم و تضمین میکنند ، و (به جنبش) امکان میدهند که آنها را بطرف نجات و معاضد خود جلب کند ، (این نگاه) حلقه معاصره از طریق منطقه منکوت ، سانسور و تهست و افزا ، واکه بوسیله دستگا سرکوب اعصاب میشود ، و در بینکند ، معنای پیختر و گسترده ، تند و راجسورت همکاران سازمان یافته و آگاهانه در مبارزه ، عمل تبدیل " El aplaudo en apoya " - (یعنی) گفتن نهیها بصورت حمایت کردن بهار آزادی - در با انجام محرابانند (در فغان) برزلی خوب میداند که این کار به کجای انجامد .

از نقطه نظر سازمانی و نظامی - انگفا ، ناپه بران بوزور قبلی (نقطه نظر سیاسی) - مزیت های (زیر) و ارائه میدهند .

الف - بکارگرفتن بطریق نوبت نمودن اینها صراحتا حلقه کند و علا حیت های ویژه ، بی آنکه بهمان نسبت سطح کبکی خوب سازمان تزل پیدا کند ، به معنای آنکه کیفیت فدای کبیت نبود و برعکس ؛ و لخرجی نکرد ، در هیچ نوع کم و مساعدت و ارائه دادن به همیک تفکسی نعال ، بی آنکه هستنظوری (و همکار که از راه رسید) امر ایدرون هسته (انقلابی) راه بردند ؛ نقیبت کردن و استمگام بخندیدن عملی مخصوصی کردن ، رنگالیف ، بدین معنا که با نام پیسنده تعیین کردن و یا تقسیم کردن ، مسئولیتها در وجهه های گوناگون مبارزه ، کار آبی و کار سوری خود گروهها را تقویت کرده و استمگام بخشدند .

ب - در حاشیه و بغل دست خود ، داشتن یک منبع دائمی برای عضوگیری که همچنین میتواند در مورد و اطلبان بروز (به جنس) بعنوان شریک و صافی بکار رود . در واقع ، بین همیسن حلقه های احاطه کننده است که توپا مارو هاتواندسته اند به نسبت بزنهای انجام ننده (بوسیله دشمن) در صفوف خود و ضربات وارد ننده بوسیله نیروهای سرکوب ، بجاهای خالی را پر کنند و تلفات را جبران نمایند ، بی آنکه (بطوریکه تجربه نشان داده است) با غطور خنده گری (دشمن) مواجه گردند . این هم (و برآوردگی) بد اوم و پیشاپیش تسد ارنه شد ، برای عضوگیری ، بهجینسیر امکان داده است که از فرسودگی و ضعف تد رجبی ، و از همیسن خونریزی آرام و همیجان نکردن ، کارگزاران روزندگان که در رینه مدت زمان طولانی - همساری که نیروهای سرکوب بتوانند بروی گذشت زمان حساب کنند - بخصوص بیوحاشه خود نمائی میکند وین سازمان ، انقلابی مسلح را تا سرانجام بنیمن سولی میدهد ، اجتناب ورزشتند ، در

اینجا (در مورد توپا ماروها) ، برعکس ، زمان نه بفتح نیروهای سرکوب ، بلکه بفتح سازمان کارگرده است " (۷)

این خواهرها در مجموع بوسیله برانیک ، خود با رژیس قرار گرفته بود . آیا در طی مبارزات انتخابی هنگام بینگمهای جنبش ۶ مارس در زمان استقرار کمیته های پایه ای ، جبهه گسترده در با بابت نوشته وید و چه اتفاقی رخ داد ؟ سازمان شاهد کرد که توده ای از فداقتدان به اونز دین شد ، اسندی ، بی آنکه توفیق یابد این مرقده بد را گانایزه کرد ، و یا آنرا بنحونایسته ای معاط کند ، سازمان بشمولیافته آمیزی - در مقابل حالتی که بر نیروهای احاطه کننده ، امر حاکم بود - بصورت قابل نفوذ در آمد ، م از همینجا بود گنگر ایشی بی خون و جرابلرفی تریز کردن ، قوانین اضتی ، تا آنوقت مورد احترام قرار نده ، و بویزه بطرف قطع کردن و بریدن از تقسیمات خانه خانه ای (۸) بجای آغاز شد . در طی همین دوره بود که سازمان ، در روزوازه خود را سوسی هموکومیها ای جد بد با زکرد ، بی آنکه این اعصاب جد بد را از روی اشکال مختلف ، صافی و فربال و رده بندی ها بگداند ، بی آنکه یک نوعه کافی سیاسی نسبت به آنها مرضی دارد ، از در همیمل ، بی آنکه قادر باشد یک تعلیم وترتیب نظامی - که فقط یک تجربه طولانی ، میتوانست موجدات آنرا فراهم کند - در اختیارشان قرار دهد . بند مثل کردن (راهبری فشار بوسرکوب) (از طرف رژیس) ، بند مثل کردن ، ضایعها را (از طرف سازمان) در زمینه قواعد اضتی و حتی گاهی اوقات ، در زمینه نحوه مبارزه مبارزین ، بدینسان آورد . خوش بین ، حاله در زمینه ظرفیتهای نظامی ، M. T. N. و امکانات سیاسی ، مسبه گسترده ، یک نوع آشن نسلیه تشکار ، به نوع زمینه مساعد برای رویش و شکوفائی حیوانه های بیروزی گرائی (Triompha - 1.1.1.1) - که همواره در فضای باره ای از اقتدار حیا انقلابی معلق است - خلق کرد . سازمان بطور باروا و تاشروع خود را بجای یک جنبش کبکی بدست یاب پیشگویی و توسعه سیر ، به کار شد ، بدینجا ای پاقترین کردن ، و های خود را با یک پیروزی (۱) در همان اشکاف عوض گسرد . حکت های عضوگیری و دستچین کردن ، نیا ، بدگریدت سابق نبود . نوری های صافی و غیرمال در انت سرخا بر میداشت ، بی اینکه متعهد بن و از راه رسیدگان جد بد مورد تعیرو تناسبن اید نولوزیکی ، که در ضروریتها و انقلابی ، اعصاب استفاده ام شده ، از اصل و فضا " خسرد ، بوزوئی و پولوتی ، الهامات بیولوتی و تعلیمات مارکسیست لنینیست از هم قابل تشخیص نیست باشند - قرار گیرند . خلاصه اینکه ، M. T. N. بدگریدت خودی نبود که عالما حلقه حمانی خود را مورد استفاده قرار دهد ، و این شد در حال گسترش او تا معابد کند .

متابولیسم ها (Metabolism) شروع کردند بکار کردن ولی بطور معکوس ، برون ، درون را همض میکرد ، نیروهای جانبی (احاطه کننده) ، در حد جدب همسه پیشانک برآمدند ، یک فزول محور ، بعد ها ، خسیسه این معکوس شدن ، فضا با رابیان کرد ، است : " مایعوس اینک سازمان را در درین خلق قراره هم ، مطلق را در درون سازمان قرار داده بودیم " .

۲- برزاسر ماتو

متجاوز توسعه برنامه جنگ ، در داخل کشور است تحت شکل یک جنگ چریکی که بجای جنگ چریکی روستایی ، شاید بهتر است که آنرا جنگ حومه شهری نام داد . هدف گشودن یک " جبهه دوم " بر علیه رژیس بود . در آغاز ، ما منور منقوی منظر نظریه برای سینه کردن بار عملیات مسلحانه در باجشد و نیز سرگرم کردن نیروهای سرکوب . در واقع ، و این برنامه در یک زمان طول مدت ، یک تیانس سیاسی را در بر داشت ؛ جیایست شهری شدن و واقعی تر ، منقوئی ازین قدر متوازی با بدست دهد ، با سایرین فکرانتر از آنکه که نیرو مسلک بوسیله نیروهای ارتشی کنترل میشود ، به این معنا که با گنجبار رفتن با نظم مستقر و اساس حاکمیت خود را استوار نماید ، بکی از اسناد سازمان بنیاد برنامه ثانوی نیز بنیاسی تردست آمده ، در آخرین ماههای سال ۱۹۶۱ و راید بنگونه توضیح میدهد :

" در طی سالها مبارزه مسلحانه ، دستگا سرکوب در رینه زمینه عا س شخص پیدا کرده است ؛ گشت در شهرها و جاد ها ، استقرار کبیم کنترل شهرها بطور کلی (تقییر خانه ها ، کتب اطلاعات در میان دانشجویان رسند بگا های حب شهرها ، تشکیل گروههای ضریضی ، بختار مبارزه باجنگ چریکی شهری ضیره) . در آن اوایل ، اوتره که برای شیوه های کلاسیک جنگ قرار داد ایام و ترتیب شده بود از عملیات سرکوب ، هدف انقلابی خا س که گمانگاه داشته شده بود ، مگوانیکه پیاد ای از وظایف کلکی محافظت از عهد فهارا بر عهده داشت ، ولی ، در آغاز ، بختار کم ، کبیمسه بویزه در ریشر ماهه اخیر ، ارتز به توده خود ، بجانب مبارزات شهری صوی داده شد . بدست با در کز این طلب ، ضایعها این نسبت که ارتز ، تخصص کلاسیک خود را از دست داد ، باست (از همیجان بعنوان نهاد دستگا سرکوب که متواند در روستا هات بجهل بزند ، باقیس مانده است) ، ولی ، در واقع ، دست و پای اود ریشرها معیوب گیر کرده است ، و بیسروی بودن اواز شهرها شراف است ، باضعف کردن کنترل مناطق شهری . در ماههای اخیر ، سازمان در مورد یک انتخاب استراتژیکی منظر موافق داده است که امکان آن از خیلی قبل اعلام شده بود ؛ استقرار گروههای عملیاتی در روستا ، در واقع ، سند شماره ۱ و نیز شی " بتوالی " (۱) امکان یک مبارزه روستائی را ، که در ریشر ویرانگی نیروهای دشمن سهیم میشود ، مورد بررسی قرار داده بود . ما در آنجا بطور مشخص و واقعی اعلام کردیم ، بودیم ؛ اگرچه راست است ، در رگرو سلطه جبال باندازه لازم وجود نداشت ، و مناطق روستائی بیویست که فقط میتوانند پناهگاههای بوقتی در اختیار ما قرار دهند ؛ با اینهمه ، با بکارگرفتن اشکال دفاعی معنی ، این مناطق میتوانند برای مبارزه روستائی مفید واقع شوند .

برنامه ثانوی ، چیزی جز گسترش این فکر - تحت یک شکل تهیه شده ، با نظم و دقت - نبود . مسئله بر سر این بود که گروههای کبیکه نظامی را در مناطق شخصی بطور دائمی مستقر کنند ، نباید بنیسه با ساختن " تانوسراها " TANCERAS - که بعنوان آنهاها وینگاههای کلکی مورد استفاده قرار خواهد گرفت - بتوانند رونمای طبیعی را مرت و اصلاح کنند . برنامه ثانوی ، در طی شش ماهه آخر ، بوسیله یک گروه کوچک از اعضای سازمان بر حله آزادیس گذاشته شد . بهوازات آن ، در طی مدت یک و بیش ساوی ، یک عمالیت آزادیسی در شهرها و هات حوالی شهر - مبارزه شهری - صورت گرفت که نتیجه آن ضعیف بود . در مورد این آزادیس جد ویر برنامه ثانوی که تا زمان حاضر مورد اجرا داده است ، باید گفت که نکاتی چند را روشن کرده است :

۱ - یک گروه کوچک میتواند طی ماهها بدون هیچ زیرمائی جزئیته ها و " تانوسراها " ، و یا یک دستگا لوزیکتی ، در اوم باورد ، و البته بشرطی که با حواد شناکار وید بهاری ها - که در هر مبارزه شهری یا روستائی احتمال و فزشان حیرد - مواجه نگردد .

۲ - در فغان زن ویر ، با اصل و فضا " متقاوت (کارگران روستائی و شهری ، و دانشجویان و غیره) خود را بطور کامل با این زندگی توأم با فداکاری عادت داده ، و در ظرف بگاها قادر باشند ند که کار آوری عمیقی را در این زمینه بعمل آورند .

۳ - وقتیکه گروه بر اساس این پایه ها عمل میکند ، پس از انجام هر عملیات میتواند خود را در دست و بیابان کم کند ، اود دستگا سرکوب ، در طی این مرحله ، نمیتواند کاری از پیش ببرد .

۴ - شکلاتی را که دستگا سرکوب در دست بجهل زدن در روستاها با آنها مواجه ندهد ، پیش از حدی بود که پیش بنین هستند . در قبلا بطر همین نکته اخیر ، برآورد شکلات نیروی سرکوب در روستاها ، بویزه هنگامیکه کانون مبارزه شهری اما نش را برید ، است ؛ بود که خلق جبهه دوم روستائی را در طی این دوره سبب شده است . بد بنگونه ، در مقابل یک دستگا سرکوب که در کنترل شهرها مهارت و تخصص پیدا کرده است ، در مقابل یک دستگا سرکوب که برای مبارزه شهری و جای با حکم کرده در شهرها سازمان تعمیم گرفت که یک جبهه دوم را در روستا بگشاید .

وقتیکه عملیات در شهرها آغازند ، دستگا سرکوب کاری که کرده بود که سازمانهای کارگشته و تجسیرات را بد اخل شهرها انتقال داد ، ولی در محیط روستا بیشترین تمیزات مطلقه غیر قابل استفاده بود . آنها مجبور شدند که ماشینهای پلیس را به علیکوترها تعمیم در هند و از گروههای موجود - که فقط در زمینه جنگ فزاد ای و مبارزات شهری تعلیم دیده بودند - " رنجرهای سازمانند . شاید در ظرف چند ماه ، دستگا سرکوب موفق خواهد شد که این شکل خود را بجهل کند ، ولی چیزی که برایش میتواند یک مشکل حل نشدن باقی خواهد ماند عبارتست از جبهه اول یعنی مؤننه وید تو که همچنان سرگرم کننده است و رهائی از

آن برایش غیرممکن خواهد بود. باین دلیل، سازمان در مجوبه اش بیگ تلافی عظیم تن در راه و تا بندوبست قابل توجه بر نهد از افرادی که برای گشایش جبهه دوم روستایی در نظر گرفته شده بود. با اسامه و تجهیزات لازم - به فریاد...
 در کوتاه مدت و عملیات پیش بینی شده، منتظر میشد برسد اپراند نظمی علیه ارتش و در جواب شکست محتمل یافته که ایدام آن قبل از اینکه حوضه دید ثوراد بر میگردد، در روستاها گفازند و بود. و نیز عملیات پیش بینی شده بود به منظور جبهه از تجهیزات و لوازم جنگی که همچنین در آمیختن به منظور استقرار دولت انقلابی - نظیر از زمین برودن شکست و هتدگان (شخصیتهای مهم) و غیره.
 در متوسط مدت و عملیات ناله کردن استوار آورد بر سازمان یافته ای را بر علیه ارتش و در نظر داشته اند. پس در آغاز و مسئله بر سر این بود که ارتش را چه میگرداند تا از زمینگای عسای خود بر شهرها بیرون بیایند و نیز تعدادی بین ارتش و پاس ایدام کنند. بی اینکه آنها را مورد حمله قرار دهند.

بفرماندهی مرکزی داشته باشند و از این جهت برای عملیات کوچک - مانند تصمیم اصلک و غیره - از یک خود مختاری تاکتیکی برخوردار خواهند بود. در زمان و گشتزارهای روستایی، در هنگام عبور از مناطق، شناسایی است که از هرگونه خطرهای آن که بتواند حضور افراد غیره را افشا نماید - از قبیل آتش زنها کرده و در بد جای آنها، قطعات سیم فلزی، متوجه کردن بزرگان، سروردهای غیره ای و غیره - اجتناب گردد. در برای برهیز کردن از جنگگر تپا یا آوری شده ای که فاصله ساخت بین گروههای تانو و همسات رهبری مرکزی ایجاد میکند، اصل زهر بخران اصلگی مورد عمل خواهد بود. ستاد هسای جدید فرماندهی سنوبیا، که در حال حاضر در مناطق مختلف پراکنده اند، از نظر رسمی برخوردار خواهند شد که مقررات و اختیاراتشان فرار میدهند. اصلحیت تصمیم گرفتن در زمینه عملیات نشان را منطبق با اصل مستقر خود مختاری تاکتیکی در داخل سیستم استراتژیکی، در اختیار خواهند بود. از این ستاد های فرماندهی اجازه دارند که در برهیز عملیاتی کم اهمیت تر که نیاز به تصمیم ویژه ای ندارند است. مانند تصرف یک منطقه و غیره - و خود مختاری تاکتیکی کامل را در اختیار گروههای نظامی تانو قرار دهند.

سازمان ماد فر بر تانو تاکتیکی و پیش بینی کننده مشخص شده بود: در تانوس مرکز بود به هفت-شون تقسیم شده بود و هر متون ایالات شدند در راد برین گرفت و هدف این بود که هر ایالت بتواند بدون متون ناموس خود را تشکیل دهد. این هدف فقط در ایالت پاییزند و در زمان غریب گمشده بود. ایالتی که در واقع در ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ در میان کارگران گشت نیشگر توله یافته بود - در تحقق یافت - هر شهر داخل (در منطقه ملوهرستون) - به تابه مرکز تمبیه و آرایش "تائوسرا" هائی بشمار میرفت که در روستاهای اطراف - تحت دستوری فرماندهی مختلف "تائوسرا" میبودند (Ciudad (۱) - منقسم میشدند. "تائوسرا" عبارتست از آنها هکاهای زیرینتی که با وقت مخصوص و استقرارند است؛ مفهوم روستایی این واژه "بره تن جا" (Berretines) می شهری - با صحنی هکاهای ساخته شده در داخل خانه ها - می آیند. تا عسارها با مساحت های مختلف در زمینهای مزروعی در یک اثر نگاه در راندند در یک جا، با بونه زارها و بناهای شمشیر بهتر حفر میشوند و در آنها میتوان انبارهای املحه و تجهیزات، بنا هکاهای موضی بسیاری ریزندگان و حتی محل اقامت طولانی آنان استفاده و میگردند. این تائوسرا ها با گان نقل و انتقال سریع و فراخ میگردند و همچنین عملیات خانه بافت حقیقی کاههایی را در اختیار شرکت کنندگان قرار میدهند که بتوانند مانند مقررات آب در قمر زمین نهان شوند. ستونهای متعدد بر آخسار با هکاهای سنگا هکاهنگ کنند. در هر طره شان وقت و دست در ستوریک فرماندهی کل با ستاد امور داخله استقرار میدهند. ولی همان طور که سنتد نکرده (در صفات) فوق یاد آور میشود، مسئله استقلال و خود مختاری بحال در وسیع برای ستونهای گروههای محلی قابل شدند:

از این طریق تلاش باید بشود که بزرگترین احتیاطی و نرض ها به عملیات ارائه شود. برای بدست آوردن بهترین نتیجه از جمعیات تانو در روستاهای اروگوئه ای و گروههای تانوی که تجربیات بیشتری آموخته اند - با تمیز محل را در تانوس پیروی بطرف مناطق که هنوز نه دارای سنگا لونیستیکی و نه شبکه های حمایتی شهری میباشد باید بر اساس اصل زیر رسد خلق آنها برآیند: "کارول (Fonction) است که حضور (organ) را خلق میکند."
 هرستون، بشیوه سازمان شهری و بیابست سروریهایی خاص خود و فراخ و آباده گسند از قیبل سروریهایی: بهد آوری - از جمله یک گروه جراحی - و کارگاه فنی و اطلاعات و بد اطلاعات و کسب و پیش از اخبار ماهیتی برودت فخره و تهیه ایست. با این حال، نظریه کمابن پاره ای از ارقام جمعیتاتی مانند نقشه های جغرافیائی و قطب نما، نقشه و همسات (با خاطر اشکال و تهیه آنها از طریق تجارتی) در یک اداره مرکزی میبایست در ریاضت تشکیل شود تا در خواستها و توزیع مواد مورد نیاز ستونهای مختلف واد خود متحرک کند. و استیگی در این بنامست به گونه وید کو همچون بند ضرورت لونیستیکی بنظر میسرود که ضعیف کننده سازمانی در تمرکز یافته زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور است. کشوریک نمیی از جمعیتش در ریاضت جمع شده است. معذالک سند میوط به بر نامه تانو یک کف اروغرافیائی را مشخص میکند که بایست در محل و واسطه قابل دسترسی مجلسی تحقیق پذیرد:

* نظریات یک ستونهای بد لایل جغرافیائی و میتوانست مشکلاتی برای ایدام ارتباط بین خود یا


* در برهیز سروریهایی امنیتی برین تانی توصیه میشود که یک گروه متحرک تشکیل گردد و در

صورت امکان با وسایل نظمی خاص خود و وظیفه بررسی امکان خرید خانه ها و زمینها و اما آنرا برعهده بگیرد؟ همچنین مسئولیت بریز کردن کارگاه برای ساختن سروریهایی محلی کاهنگ (بره تن جا Berretines) و "تائوسراها" و حتی سروریت و غیره در دست دادن این محلی کاهنگها و انبارهای تجهیزات و اسلحه. بد لایل امنیتی لازمست که به الزام Canton Muerto - یعنی اینکه صحنی کاهنگها باید در محلی بریانوند که چیزی در آنجا نیست و کسی از تجارت و آمد نیشک، یاد و میزورهما کرده ای که کسی از انجا عبور میورد آن را نیشک گردون نهاده شود. یک سروریت تهیه ایست باید ایجاد گردد که در هر دو سویه و تقسیم با لیس مخصوصی که برای عملیات لازمست تهیه و آباده کند. در مورد مواد فخره، توصیه میشود که از "Atropa-Niganda" (۱۹۳۹) در یک کرسلا حبابی مخصوص به سطح گردن جا و ها و مانع شدن از تضییع براد انبهای ستونهای نییی مرکزی در روستاها استفاده شود. سروریهایی از دسته ای از ترکیب خواهد یافت که بوظیفه است گشته اطلاعات و اخبار را جمع آوری و تنظیم کند؛ ولی همین باید بروی رفتار هشمارانه کسب همرازان منطقه مورد نظر حساب کند به نظر اینکه اطلاعات و اخباری که ایشان بد دست می آورند تنظیم کرد و منتقل نماید. بد بیست که این رفتار باید بوسیله ستاد فرماندهی هرستون تحریک و تقویت شده و این امر تا به تلاش اساسی کلیه بهارین تلقی گسردند. سروریهایی و بخش اخبار و طبیعتی بوظیفه گردانوی را برعهده خواهد داشت. این سروریهایی عر هفت باید بولتن های کوچکی حاوی اخبار داخلی را چاپ و منتشر کند و این بولتن های بهارین امکان خواهد شد که در جریان واقعی امور سازمان قرار گیرند. همچنین احداث سازمان را باید چاپ و منتشر کند و البته لازمست که حق نقد را در مورد اسناد و قابل شود که بتوانند بهر همرا و بهر مصلحت، در یک سطح صافی اطلاعات و عملیاتی را ارائه دهند.

بر این توضیح بره و دنگه رایاد آوریم: اول اینکه کتاب مورد بحث، تحت عنوان "ما، تویا ماروها" بوسیله ماسیرو منتشر شده است، و نه آن طور که در بره میگرد: "تویا ماروها در ریش". در یک مقاله "از آنجا برس بگیریم" نوشته بره در روزنامه کتاب آند است و نه بعنوان مقدمه. البته مقاله "از آنجا برس بگیریم" مناسب ترین مقدمه ای باشد بر این کتاب. ولی بد لیلی که ترجمه فارسی "ما تویا ماروها" برهده مقاله در بره - در جمله سوم - اشاره میکند، این مقاله بر بیان کتاب "ما، تویا ماروها" افزوده شده است.
 مقاله "از آنجا برس بگیریم" در جمله سوم ترجمه فارسی کتاب "ما تویا ماروها" از انتشارات سازمانهای جبهه طی (بخش خاورمیانه) منتشر شده است.
 (۲) اشاره است به همان مقاله "از آنجا برس بگیریم" م.
 (۳) ایران Ariano دختر مسیرو پارانند و از اساطیر خانی است. ایران ارشته نخی را به تینز - که برای شکست دادن پیروز بره کرت آمد، بود و در نایکند آن ارشته نغ بتواند پس از گذشتن غول از آنجا بهین و ضم خارج شود.
 منظور بره از اشاره باین افسانه بد است آوردن ارشته هائی بد ایدام کند و برای عبور از این دالتهای بهین و دم و گذشتن نول است. م.
 (۴) مجموعه ای مرکب از بد بخش نیروهای ارتش - نیروهای زینی و ریاضی و هوایی - با ضامه بخشهای متقاوت با پس به این نام خوانده شده است. در بره
 (۵) "پا" جبهه گسترده "اتحاد انقباضی بود که - از روی نمونه تینز لی - در فوریه ۱۹۳۱ خلق گردید و ۲۲ حزب سازمانی جب و جب بیانه در راد بر خود جمع کرد. در بره
 (۶) به نقل از صفحات ۱۴۰ - ۱۴۱ ترجمه فارسی "ما، تویا ماروها" جلد سوم
 (۷) به نقل از صفحات ۱۱۶ - ۱۰۲ ترجمه فارسی "ما، تویا ماروها" جلد سوم
 (۸) برای اطلاع از مفهوم این اصطلاح به طلب "بعنوان نتیجه گیری" نوشته تویا ماروها در کتاب "ما تویا ماروها" ترجمه فارسی در جلد سوم این کتاب صفحات ۱۲ - ۱۰، مراجعه شود.
 (۹) Proselytisme - در ردهیم و کافرین را که بد عیب بهبود روستاوار Proselyte میگردد، امروزه، Proselyte به کسی اطلاق میشود که بیک بد عیب فرقه عیب مسلط و قهره جدید روی آورده است. Proselytisme عبارتست از اینکه در مورد Proselyte ها غیرت و تعصب بخش دادن و تلا میگردند بر اولیای خود. م.
 (۱۰) شن گابل "سن سوال از یک تویا مارو" در جلد سوم کتاب "ما تویا ماروها" فارسی ترجمه شده است.
 (۱۱) مفهوم تائوسرا در خود شن (بلافاصله در ستون) توضیح داده شده است و اما Ciudad برهان اسپانیائی یعنی شهر م.
 (۱۲) در زبان فرانسه - Atropa-Niganda یعنی حبه و نیزنگ زشت. معنای تحت اللفظی این واژه مرکب عبارتست از گرفتن و دام انداختن موجودات احمق و ابله. البته در اینجا و معنای تحت اللفظی که مورد نظر است و نه معنای اصلاهی آن.
 بنظر میسرود که Atropa-nigande (بدام انداختن موجودات احمق) در یکی مواد منفجره است برای قطع کردن راهها و بدام انداختن نیروهای مرکزی. حال این نوع مواد منفجره در زبان فارسی به نام صطلاح است و نگارنده این ستون از آن به خیر است. م.

هواشی

(۱) این نوشته در مقدمه کتاب "تویا ماروها در ریش" از انتشارات فرانسوا ماسیرو منتشر شده است. در بره

[... از نگاه دیگران](#) 

[عکسها](#) 

[کتاب و نشریه](#) 

[از نگاه آزاد\(م.ایل بیگی](#) 

[از نگاه فریدون ایل بیگی](#) 

[گاه روزانه های دیروز ... و امروز.](#) [روزانه ها...](#) 